

# جایگاه امامت در کلام امام هفتم علیه السلام



جواد خرمی

مقام امامت و امامان را آنچنان که بایسته است، نشناختند و این عدم شناخت، چه در زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و چه بعد از آن حضرت، پیامدهای ناگواری در پی داشت و زیانهای سنگین علمی و فرهنگی بر جامعه اسلامی تحمیل نمود.<sup>۱</sup>

## دفاع امامان از امامت

امامان معصوم آنجا که شرایط را مناسب ندیدند، از اداره جامعه به صورت مستقیم، کنار رفتند؛ اما در

از بزرگ‌ترین و شکننده‌ترین انحرافات که در جامعه اسلامی رخ داد و برای همیشه بشریت را محروم ساخت، انحراف از مسیر امامت بود. اگر جامعه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه امامت را شناخته بودند، امامت و خلافت را در حد نمایندگی قبیله‌ای و قومی و حداکثر رهبری سیاسی تنزل نمی‌دادند. اجازه نمی‌دادند که کسانی بر آن جایگاه تکیه بزنند که هیچ‌گونه شایستگی و لیاقت در وجود آنها نبود. با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله نهایت تلاش خود را برای معرفی امامت و امامان انجام داد، با این حال، اکثریت جامعه اسلامی

۱. برخی نمونه‌ها، در مقاله امام‌شناسی از دیدگاه امام هشتم علیه السلام، مجله شماره ۴۰ مبلغان، ص ۴۲ - ۴۴ آمده است.

تبيين مقام امامت و عظمت امامان هرگز کوتاهی نکردند. علی علیه السلام که برای حفظ وحدت جامعه اسلامی به ظاهر از خلافت کنار رفت و سالها سکوت را اختیار کرد، در تبیین مقام امامت هرگز کوتاه نیامد و بارها به حدیث غدیر و منزلت استدلال کرد و سخنان بسیار بلندی را درباره عظمت امامت و امامان بیان فرمود. همین طور امامان دیگر نیز جانانه‌ترین دفاعها و ژرف‌ترین سخنان را درباره جایگاه امامت بیان نموده‌اند، از جمله حضرت موسی بن جعفر علیه السلام با اینکه سالها در زندان بود و تا مرز شهادت پیش رفت، در تبیین حقیقت امامت هرگز کوتاهی نکرد و لحظه‌ای غافل نگشت. آنچه پیش رو دارید، نگاهی است به جایگاه امامت و دفاع از آن، از دیدگاه امام هفتم علیه السلام.

### زمین، خالی از حجّت نیست

در بینش ژرف تشیع، امام و حجّت الهی، رکن جهان آفرینش است و جهان به وجود او بستگی دارد. امام واسطه فیض الهی و مجرای رحمت اوست و آن لحظه که زمین خالی از حجّت باشد،

بساط آن به هم خواهد ریخت. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»<sup>۱</sup> اگر زمین [لحظه‌ای] بدون وجود امام باشد، [ساکنان خود را در کام خود] فرو می‌برد. بر اساس همین مبنا است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام با قاطعیت فرمود: «مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ قَبْضِ آدَمَ علیه السلام يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ، مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَى حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»<sup>۲</sup> خداوند از زمانی که حضرت آدم علیه السلام را قبض روح کرد، هرگز زمین را خالی از امام رها نکرده است تا به وسیله او به سوی خدای عزیز و جلیل هدایت انجام گیرد و او حجّت [خدا] بر بندگان است. کسی که امام را رها کند، گمراه شده و کسی که همراه [و پیرو] او باشد، نجات یافته است. و این، حقی است

۱. کمال الدین، صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴، باب ۲۱، ح ۱؛ علل الشرایع، صدوق، بیروت، دار البلاغه، بی تا، ص ۱۹۶.

۲. علل الشرایع، همان، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۱؛ اعلام الهدایه، المجمع العالمی، اهل البیت علیهم السلام، ازل، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۱۵.

بر خداوند.»

در جای دیگر علی بن راشد از موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةٍ وَأَنَا وَاللَّهِ ذَلِكَ الْحُجَّةُ»<sup>۱</sup> به راستی زمین خالی از حجّت نیست. و به خدا سوگند! من همان حجّتم (امام تعیین شده از جانب خدا هستم).»

#### زنده بودن امام

امام هفتم علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ»<sup>۲</sup> به راستی حجّت برای خدا [در زمین] بر مردم قیام نمی یابد، مگر با [وجود] امام زنده ای که شناخته شده باشد.»

#### لزوم شناخت امام

حدیث معروف «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۳</sup> هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»، از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منابع سنی و شیعه نقل شده و مرحوم علامه امینی از دهها منبع سنی آن را نقل نموده است.<sup>۴</sup> این روایت در منابع شیعه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز بیشتر امامان نقل شده است که نشان از اهمیت امام شناسی

دارد. در این میان، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در دفاع از امامت حق بر مسئله امام شناسی و لزوم آن تأکید نموده است. عمر بن یزید نقل نموده که از ابی الحسن اول (امام هفتم) شنیدم، آن حضرت فرمود: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً إِمَامٌ حَتَّى يُعْرَفَهُ»<sup>۵</sup> هر کس بمیرد و امام زنده ای را نشناسد، با مرگ جاهلی مرده است.» راوی عرض کرد: قید «امام زنده» را از پدرت (حضرت صادق علیه السلام) نشنیدم. حضرت فرمود: «به خدا قسم فرموده و این رسول خدا است که فرمود: «مَنْ مَاتَ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَيَطِيعُ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۶</sup> کسی که بمیرد و برای او امامی

۱. اعلام الهدایة، همان؛ الاختصاص، شیخ مفید، مکتبه بصیرتی، ص ۲۶۹.
۲. الاختصاص، همان، ص ۲۶۹؛ اعلام الهدایة، همان، ص ۲۱۳.
۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۳۹.
۴. الغدیر، علامه امینی، دار الکتب الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۵۸-۳۶۰.
۵. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۲.
۶. الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۶۸؛ روزگار رهایی، کامل سلیمان، ج ۱، ص ۸۵؛ اعلام الهدایة، ص ۲۱۶.

بیشتر این نکته مورد نظر است.

### نمونه‌هایی از اوصاف امامان

حضرت موسی بن

جعفر علیه السلام نمونه‌هایی از اوصاف

امامان، را بیان نموده است که به برخی

از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. وجه الله بودن

هارون بن خارجه از امام ابو

الحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) نقل

نموده که آن حضرت فرمود: «تَخُنُّ

الْمَثَانِي الَّتِي أُرِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَتَخُنُّ

وَجْهَ اللَّهِ تَنْقَلِبُ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، فَمَنْ عَرَفْنَا عَرَفْنَا

وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْنَا فَأَمَانَةُ الْيَقِينِ»<sup>۱</sup> ما مثانی [و

تمام قرآن و ام‌الکتابی] هستیم که

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را [به مردم] نشان

داد. ما وجه اللهی هستیم که در بین شما

حرکت می‌کنیم. هر کس ما را می‌شناسد،

ما را شناخته و هر کس نمی‌شناسد، پیش

روی او یقین (قیامت) است.»

#### ۲. مورد فضل الهی

حضرت کاظم علیه السلام درباره قول

- که از او حرف شنوی کند و پیرویش

نماید - نباشد، با مرگ جاهلی مرده

است.»

همچنین، سخنان حضرت موسی

بن جعفر علیه السلام می‌تواند ردی بر عقاید

زیدیّه، اسماعیلیّه، فتحیه و واقفیه

باشد؛ چه اینکه در زمان آن حضرت،

برخی گروه‌های فوق همچون واقفیه

امامت آن حضرت را قبول نداشتند.

عبد الله بن قدامه ترمذی از امام

هفتم علیه السلام نقل نموده که آن حضرت

فرمود: «مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا

نَزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، أَحَدُهَا: مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ

فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَتَعْتِيهِ»<sup>۱</sup> کسی که

در چهار چیز شک کند، به تمام آن

چیزی که خدای تبارک و تعالی نازل

نموده، کفر ورزیده است؛ یکی از آنها

شناخت امام هر زمان و هر دوره با

مشخصات و اوصافش می‌باشد.»

در این حدیث، در مورد معرفت

امام به دو نکته اشاره شده است:

۱. شناخت شخص امام با چهره

ظاهری او؛

۲. شناخت اوصاف، مقامات و

عظمت امام که در باب معرفت امام،

۱. اعلام الهدایة، ص ۲۱۵؛ الاختصاص،

ص ۲۶۹.

۲. البصائر، ص ۶۶؛ اعلام الهدایة، ج ۹، ص

۲۱۳.

شده است و اما آینده، [در کتاب جامعه و مصحفی که نزد ماست]، نوشته شده است و اما حادث و پدیدشونده، از راه الهام بر دل و تأثیر در گوش جلوه می‌نماید [که هر روز و هر ساعت، مخصوصاً شبهای قدر و جمعه، حاصل می‌شود] و آن بهترین دانش ماست و [با همه این علوم، پیغمبر نیستیم؛ زیرا] پیغمبری بعد از پیامبر ما نیست.

#### ● علم انبیا در نزد امامان

احمد بن حماد گفت: به ابی الحسن الاول (امام کاظم علیه السلام) عرض کردم: «فدایت کردم! آیا پیغمبر ما وارث همه انبیاست؟» فرمود: «بله.» عرض کردم: «از زمان [حضرت] آدم تا زمان خودش؟» فرمود: «خداوند پیامبری مبعوث نکرده، مگر آنکه محمد اعلم از او بوده است.» عرض کردم: «عیسی بن مریم مردگان را به اذن خدا زنده می‌کرد.» فرمود: «راست

۱. اصول کافی، یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۲۰۶؛ اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۲۱۳.
۲. اصول کافی، عربی، ج ۱، ص ۲۶۴؛ اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱.

خداوند که می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرمود: «نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ»<sup>۱</sup> ما هستیم که [بر اثر فضل الهی] مورد حسد مردم واقع می‌شویم.»

#### ۳. وسعت علم

علم امامان، علم مکتبی و مدرسه‌ای یا کسبی نیست؛ بلکه علمی است «لدنی» و الهی که توسط امامان قلبی، و الهامات قلبی و عنایات الهی به آنها می‌رسد. در اینجا به مصادیقی از این علم وسیع و گسترده که در کلمات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آمده، اشاره می‌شود:

#### ● انواع علوم امام

از علی سائی از ابی الحسن الاول (موسی بن جعفر) نقل شده که فرمود: «مَبْلَغُ عِلْمِنَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ: مَاضٍ وَغَايِرِ وَحَادِثٍ. فَأَمَّا الْمَاضِي، فَمُقَسَّرٌ وَأَمَّا الْغَايِرُ فَمَرْبُورٌ وَأَمَّا الْحَادِثُ فَقَدْ فِي الْقُلُوبِ وَتَقَرَّرَ فِي الْأَسْمَاعِ وَهُوَ أَفْضَلُ عِلْمِنَا وَلَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا»<sup>۲</sup> گستره علم ما بر سه وجه [و جهت] است: گذشته، آینده و پدیدشونده (حال). اما گذشته، پس [برای ما توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان قلبی] تفسیر

گفتی و سلیمان هم نطق پرندگان را می‌فهمید و پیغمبر ﷺ هم بر این مراتب توانایی داشت.<sup>۱</sup>

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «وَقَدْ وَرَّثَنَا نَحْنُ هَذَا الْقُرْآنَ الَّذِي فِيهِ مَا تُسَيِّرُ بِهِ الْجِبَالُ وَتَقَطِّعُ بِهِ الْبُلْدَانَ وَتُخَيِّبُ بِهِ الْمَوْتَى وَنَحْنُ نَعْرِفُ الْمَاءَ تَحْتَ السَّمَاءِ؛ ما وارث آن قرآنیم که آنچه کوهها به وسیله آن حرکت کند و به شهرها مسافرت شود و مردگان به وسیله آن زنده شوند، در آن وجود دارد. و ما آب را در زیر هوا تشخیص می‌دهیم.» آنگاه ادامه داد: «و همانا در کتاب خدا آیاتی است که به وسیله آنها چیزی خواسته نشود، جز اینکه خدا به آن اجازه دهد [و هر دعایی از برکت آن آیات مستجاب شود]. علاوه بر آنچه خدا برای پیغمبران گذشته اجازه داده [و علومی که با آنها عطا کرده است]، همه اینها را خدا در قرآن برای ما مقرر داشته است.» همانا خداوند می‌فرماید: هیچ نهفته‌ای در آسمانها و زمین نیست، مگر آنکه در کتاب مبین (آشکار) موجود است.<sup>۲</sup> و یا فرمود: «آنگاه این کتاب را به کسانی که از میان بندگان

خود انتخاب کرده‌ایم، به ارث داده‌ایم.»<sup>۳</sup> و ماییم کسانی که خدای عزّ و جلّ انتخابمان کرده و این کتاب را که بیان همه چیز در آن است، به ارث به ما داده است.<sup>۴</sup>

در روایت دیگر آمده که هشام بن حکم می‌گوید: همراه «بُرَیْه» خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و آنجا ابا الحسن، را ملاقات کردم. هشام داستان بُرَیْه<sup>۵</sup> را نقل کرد و آنگاه حضرت ابو الحسن فرمود: «ای بُرَیْه! علمت به کتاب دینت (انجیل) در چه حدّ است؟» گفت: «آن را می‌دانم.» فرمود: «در چه حد اطمینان داری که معنای آن را می‌دانی؟» گفت: «آن را به خوبی می‌دانم و بسیار به این علم اطمینان دارم.» سپس ابو الحسن علیه السلام شروع به خواندن انجیل نمود. بُرَیْه گفت: «پنجاه سال است که من تو و امثال تو را

۱. رعد / ۲۹.

۲. نمل / ۷۵.

۳. سبأ / ۲۹.

۴. اصول کافی، همان، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۹.

۵. بُرَیْه، مصغّر ابراهیم است در برخی نسخ کافی، «بُرَیْهَة» آمده است. وی از دانشمندان بزرگ هفتاد ساله مسیحی بود.

مکه نزد ابو الحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) بودم. مردی به او عرض کرد: تو قرآن را به گونه‌ای تفسیر می‌کنی که ما تا حالا نشنیده‌ایم!

حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود: «عَلَيْنَا نَزَلَ قَبْلَ النَّاسِ وَلَنَا فُسْرٌ قَبْلَ أَنْ يَفْسُرَ فِي النَّاسِ، فَتَخُنُّ نَعْرِفُ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ وَنَأْسِخُهُ وَمَنْسُوخَهُ وَسَفَرِيَهُ وَحَضْرِيَهُ وَفِي أَيِّ لَيْلَةٍ نَزَلَتْ كَمْ مِنْ آيَةٍ وَفِيْمَنْ نَزَلَتْ وَفِيْمَا نَزَلَتْ، فَتَخُنُّ حُكْمَاءَ اللَّهِ وَشُهَدَاؤَهُ عَلَى خَلْقِهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَيُسْأَلُونَ»<sup>۳</sup>

قرآن قبل از مردم بر ما نازل شده و قبل از آنکه در بین مردم تفسیر شود، بر ما تفسیر شده است؛ پس ما حلال و حرام قرآن را، ناسخ و منسوخ آن را و آنهایی را که در سفر نازل شده و یا در حضر (مکه و مدینه)، و در چه شبی چند آیه نازل شده و درباره چه کسی نازل گردیده و در چه موردی نازل شده است را [دقیقاً] می‌شناسیم. پس حکمای [واقعی] الهی و گواهان او بر

می‌جستم.» پس بُرَیْهَ ایمان آورد و نیکو ایمان آورد و زنی که همراه او بود نیز ایمان آورد. آنگاه هشام همراه بُرَیْهَ خدمت امام صادق علیه السلام آمدند. هشام گفتگوی بین بُرَیْهَ و ابو الحسن موسی (بن جعفر علیه السلام) را برای حضرت نقل کرد و امام صادق علیه السلام فرمود: «نسل [ابراهیم و عمران] بعضی از بعض دیگر گرفته شده و خدا شنوا و داناست.»<sup>۱</sup> پس بُرَیْهَ گفت: «تورات و انجیل و کتب پیغمبران از کجا به شما رسیده است؟» فرمود: «اینها از خود پیامبران به ما به ارث رسیده؛ همچنانکه آنها می‌خواندند، ما هم می‌خوانیم و چنانکه آنها بیان می‌کردند، ما هم بیان می‌کنیم. خدا حاجتی در زمینش نمی‌گذارد که چیزی از او بپرسند و او بگوید نمی‌دانم.»<sup>۲</sup>

### ● آگاهی به تفسیر قرآن

امامان معصوم علیهم السلام به عنوان ثقل اصغر و عدل قرآن، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله کامل‌ترین و مطمئن‌ترین مرجع برای تفسیر و فهم قرآن کریم به شمار می‌روند.

یعقوب بن جعفر می‌گوید: در

۱. آل عمران / ۳۴.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۳۰.

۳. اعلام الهدایه، ج ۹، ص ۲۱۴.

که از ابا الحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) پرسیدم: «آیا چیزی از حلال و حرام و یا آنچه مردم به آن نیاز مندند وجود دارد که در نزد امام پاسخی برای آن نباشد؟»

فرمود: «لَا وَلَكِنْ يَكُونُ عِنْدَهُ وَلَا يُجِيبُ ذَلِكَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ آجَابٌ وَإِنْ شَاءَ لَمْ يَجِبْ»<sup>۲</sup> نه ولی [ممکن است] در نزد او [پاسخ] باشد و جواب ندهد، [زیرا] این امر به دست اوست [و او بهتر می داند] و اگر خواست، جواب می دهد و اگر نخواست، جواب نمی دهد.»

شبهه همین روایت را صفوان بن یحیی از امام هفتم علیه السلام نقل کرده است.<sup>۳</sup> محمد بن حکیم از ابو الحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) نقل نموده که حضرت فرمود: «همانا کسانی که قبل از شما بودند با [عمل به] قیاس هلاک شدند. به راستی خدای تبارک و تعالی نبی خود [پیامبر خاتم را] قبض روح نکرد، مگر آنکه [قبل از آن] دینش را در حلال و حرام کامل نمود و آنچه شما

خلقش هستیم و این سخن خداوند است که می فرماید: به زودی گواهی آنها نوشته می شود و پرسش می شوند.»

آن حضرت همچنین فرمود: «قَالَتْ هَادَةُ لَنَا وَالْمَسْأَلَةُ لِلْمَشْهُودِ عَلَيْهِ فَهَذَا عِلْمٌ مَا قَدْ أَهَيْتَهُ إِلَيْكَ وَأَوَيْتَهُ إِلَيْكَ مَا لَزِمْتَنِي فَإِنْ قِيلَتْ فَاشْكُرْ وَإِنْ تَرَكْتَ فَإِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»<sup>۱</sup> پس گواهی از آن ماست و سؤال و پرسش نسبت به مشهود علیه. پس این علمی بود که برای تو بر شمردم و آنچه بر من لازم بود، بیان کردم. اگر پذیرفتی، خدا را [بسر این آگاهی و پذیرش] شکر کن و اگر رها کردی، خداوند بر همه چیز شاهد و گواه است.»

### ● آگاهی بر تمامی احکام

امام به عنوان مرزبان شریعت، به تمام احکام و مسائل حرام و حلال آگاهی دارد و به همین جهت، ممکن نیست از او پرسشی بشود و جواب آن را نداند، هر چند ممکن است بر اثر مصالحی در برخی موارد از بیان پاسخ صرف نظر نماید.

از محمد بن حکیم نقل شده است

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۹۸؛ اعلام الهدایة،

همان، ص ۲۱۵.

۲. البصائر، ص ۴۴؛ اعلام الهدایة، ص ۲۱۶.

۳. همان.



يَعْلَمُ عِلْمَ الْمَنَانِيَا وَالْبَلَايَا فَإِلَامًا أَوْلَىٰ بِذَلِكَ؛  
 رشید هجری علم مرگها و مصیبتها را  
 می دانست و امام [معصوم] به طریق  
 اولی باید علم به مرگها و بلاها را  
 بداند.<sup>۲</sup>

### ● افزایش علم

چنانکه قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور  
 داده که دعا کند: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»؛<sup>۳</sup>  
 «خدایا! بر دانشم بیفزای!» این کلام،  
 نشان از آن دارد که بر علم پیامبر افزوده  
 می شود و امامان نیز چنین اند. مخصوصاً  
 در شبهایی چون شب قدر و جمعه، علم  
 آنها افزایش می یابد که در این زمینه،  
 روایات فراوانی وارد شده است.<sup>۴</sup> از  
 جمله در کافی حضرت موسی بن  
 جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت  
 صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت  
 فرمود: «لَوْلَا أَنَا تَزَادُ عِلْمًا لَأَنْفَدْنَا؛<sup>۵</sup> اگر علم  
 ما افزایش نیابد، به پایان می رسیم.»

در زندگی به آن نیازمندید و یا بعد از  
 مرگ به او و اهل بیتش استغاثه کنید،  
 برای شما آورده است و تمامی آنها  
 «مُصْحَفٌ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتَّىٰ أَنْ فِيهِ لِأَرْشِ  
 خَدَشِ الْكَفِّ؛ مصحفی [و کتابی] در نزد  
 اهل بیت اوست که حتی در آن، ارش  
 خشی که بر کف دست می افتد، وجود  
 دارد.» آنگاه فرمود: «ابو حنیفه، لعنت  
 خدا بر او باد! از کسانی بود که می گفت:  
 علی چنین گفته، و من چنین می گویم  
 [و خود را در مقابل علی علیه السلام جامع  
 علوم مطرح نمود].»<sup>۱</sup>

### ● علم غیبی

از اموری که امامان با عنایت  
 خداوندی به آن آگاهی دارند، علم  
 غیبی و آگاهی سرگذشت افراد در  
 گذشته و آینده و حال است. در این  
 زمینه نیز روایات فراوانی داریم که در  
 ذیل به بیان یک نمونه بسنده می کنیم:

سیف بن عمیره می گوید: از عبد  
 صالح ابو الحسن (موسی علیه السلام) شنیدم  
 که خبر مرگ مردی را می داد. با خود  
 گفتم: آیا او می داند که آن مرد چه زمانی  
 می میرد؟ پس حضرت با حال  
 غضبناکی فرمود: «قَدْ كَانَ رُشِيدًا الْهَجْرِي

۱. البصائر، ص ۱۴۷؛ اعلام الهدایة، ج ۹،  
 ص ۲۱۷.

۲. بصائر الدرجات، ص ۲۶۴؛ اعلام الهدایة، ج  
 ۹، ص ۲۱۴.

۳. طه/ ۱۱۴.

۴. ر.ک: همان، ص ۳۷۲-۳۷۴.

۵. همان، ص ۳۷۴.